



موسسه بازاریابی سیاسی مرکز رشد دانشگاه امام صادق (ع)

CENTER FOR POLITICAL MARKETING STUDIES

مناظرات انتخابات

ریاست جمهوری سیزدهم



فهرست مطالب

مقدمه	۱
۱. تحلیلی بر اولین مناظره انتخابات ریاست جمهوری سیزدهم	۱
۱-۱. مناظره یا مشاجره؟	۱
۲-۱. قالب کلی مناظره	۲
۳-۱. آرایش سیاسی مناظره	۳
۴-۱. مروری بر عملکرد نامزدها در مناظره نخست	۳
۵-۱. جمع بندی	۶
۲. تحلیلی بر دومین مناظره انتخابات ریاست جمهوری سیزدهم	۷
۱-۲. مناظره؟	۷
۲-۲. از پایان مناظره اول تا آغاز مناظره دوم	۷
۳-۲. آرایش نامزدها	۸
۴-۲. نگاهی به عملکرد نامزدها در مناظره دوم	۸
۵-۲. جمع بندی	۱۱
۳. تحلیلی بر سومین مناظره انتخابات ریاست جمهوری سیزدهم	۱۲
۱-۳. راند آخر	۱۲
۲-۳. آرایش نامزدها در مناظره سوم	۱۳
۳-۳. فصل مشترک ۳ مناظره؛ دستبرد به منافع ملی برای پر کردن سبد آرا	۱۳
۳-۴. نگاهی به عملکرد نامزدها در مناظره سوم	۱۳
۳-۵. جمع بندی	۱۷

مناظرات انتخابات ریاست جمهوری سیزدهم

مقدمه

مناظره در لغت به معنی تقابل نظرات یعنی نگاه‌هاست. نظر، نگاه عمیق و مبتنی بر بررسی و اندیشه است. از این رو، مناظره، به معنی مصطلح خود در انتخابات، محمل تضارب آراء و برخورد نگاههای راهبردی و کلان نامزدها برای اداره کشور است؛ جایی است که نامزدها ضمن بیان برنامه و ایده خود برای اداره کشور، تلاش می‌کنند تا برتری خود و ایده‌شان را به رقیب در پیشگاه مردم تحمیل کنند. هر نامزد در مناظره اولاً به دنبال ارائه ایده و نگاه خود به مسائل کشور است و ثانیاً می‌خواهد، با از کار انداختن رقیب در این میدان، ایده و نگاه خود را برتری دهد. انتظار مردم از مناظره، شناخت نامزدها و البته به خدمت گرفتن این آگاهی برای انتخاب میان آنهاست. این امر، بیش از هر چیز نیازمند سکون، تمرکز و دقت است. در این شرایط، هرچه این محمل را از این مختصات دورتر گرداند، مانع تحقق مناظره خواهد بود. جایگاه مناظره در بازاریابی سیاسی و کمپین‌های انتخاباتی نقشی بی‌بدیل است. از انتخابات آمریکا گرفته تا انتخابات ایران، مناظره مهم‌ترین مرحله مبارزات سیاسی بین کاندیداها به شمار می‌رود. بر کسی پوشیده نیست که شکل و محتوای مناظره در انتخاب رأی دهندگان تأثیر بسزایی دارد که نظرسنجی‌های پس از مناظرات این موضوع را تایید می‌کند. در گزارش پیش رو سعی شده است مروری تحلیلی بر سه مناظره انتخابات ریاست جمهوری سیزدهم داشته باشیم تا از این رهگذر آسیب‌ها شناسایی و راهکارهایی برای امروز و فردای انتخابات ایران ارائه گردد.

۱. تحلیلی بر اولین مناظره انتخابات ریاست جمهوری سیزدهم

۱-۱. مناظره یا مشاجره؟

مناظره ۱۵ خرداد ۱۴۰۰ حداقل سه مانع جدی پیش روی تحقق یک مناظره واقعی را در پیش داشت. نخست آنکه، فرم مد نظر کمیسیون تبلیغات و رسانه ملی، اساساً مناظره نبود. چه اینکه پاسخ به سؤالات مجری ربطی به مناظره ندارد. از سوی دیگر، فرصت کوتاه برای پاسخگویی به سؤالات یا اظهار نظر درباره رقبای، نیز باعث می‌شد، میدان دار مناظره حرفهای زرد و بی‌مایه شده و تاکتیک تخریب، سیاه‌نمایی، اتهام‌زنی و هجمه‌های پی‌در پی هویت بیابد. دوم، نگاه برخی نامزدها به مناظره و آماده‌سازی آنها برای آن، مناظره را بیشتر به مشاجره، مناظره و جدال شبیه ساخته بود. موفقیت نامزدهایی با این سلوک در ادوار قبل، زمینه‌ساز توجه برخی نامزدها به این منظر ناصواب است. سوم، انتظار جامعه و افکار عمومی نیز تا حد زیادی از مناظره، نقار و مشاجره است. تجربه مناظره در سه دوره گذشته انتخابات ریاست جمهوری، در شکل‌گیری این انتظار بیشترین تأثیر را داشته است.

مناظره پانزدهم خرداد، بیشتر در سایه این شرایط از ریل یک مناظره خارج و در دقایقی به یک مشاجره کودکانه تبدیل شد. با این همه، همه نامزدها به یک سان در این مناظره حضور نیافتند. درک فردی مانند سعید جلیلی از مناظره با درک نامزدی مثل عبدالناصر همتی، نه تنها یکسان نیست، بلکه کاملاً در برابر هم بوده و جالب آنکه علی‌رغم فهم بهتر جلیلی از این مسأله، قدرت رأی‌آوری نگاه همتی به مراتب بیشتر است. رئیسی نیز در این مناظره تلاش کرد تا با رعایت انصاف و اخلاق به هجمه‌ها پاسخ دهد، با این همه، او نیز در زمین مشاجره و تخریب

رقیب بازی کرد و نتوانست گفتمان خود را پروراند و نگاه خود در مصاف با نگاه رقیب را به خوبی ارائه دهد. البته کنش دین‌مدار، اخلاقی و منصفانه رئیسی، خود بزرگترین عایدی وی از این مناظره است و سطح واقعی‌تری از تمایز او و برخی رقبایش را به تصویر کشید. قاضی زاده تلاش داشت تا گفتمان متفاوتی را به مناظره تحمیل کند، اما به دلایلی نظیر بی‌هویتی سیاسی و عدم توجه به آرایش سیاسی مناظره از اثرگذاری عاجز بود. رضایی، مهرعلیزاده، همتی و زاکانی نیز، کاملاً درکی متفاوت از مناظره داشتند؛ آنها کمتر به مسائل اساسی کشور به شکل ایجابی پرداخته و در نتیجه کمتر به نقد نگاه کلان رقیب در ادراک کشور پرداختند. آنها بیش از آنکه به چالش کشیدن رقیب در مسائل اساسی را دنبال کنند، به سوی طرح مسائل فرعی و زرد و زد و خورد های کودکانه رفتند. همین نکته، به تنهایی از اثرگذاری واقعی مناظره بر انتخابات کاسته و میدان غلبه احساسات و هیجانات بر انتخاب مردم را تقویت می‌کند. امری که همتی و مهرعلیزاده در راهبرد خود در این مناظره بیشتر از سایر نامزدها دنبال کرده و به نظر موفق نیز بوده‌اند.

۱-۲. قالب کلی مناظره

مناظره در همان ابتدا با حمله مستقیم همتی به افراد دیگر حاضر از بعد تخصصی خود خارج و چارچوب کلی آن مخدوش شد. هرچند به نظر می‌رسید که با توجه به صبغه اقتصاددانی همتی و محور اقتصادی این مناظره، بر این نقطه تمایز خود تأکید و افری داشته باشد اما، بی‌پاسخ گذاشتن سؤال نخست و خواندن بیانیه‌ای آماده از قبل، قالب مناظره را تغییر داد. حملات مکرر مهرعلیزاده به رئیسی و وارد ساختن اتهامات و طعنه‌های مختلف به این نامزد، در ادامه مناظره، نشان داد، راهبرد همتی و مهرعلیزاده، خارج کردن مناظره از مدار سکون، آرامش و عقلانیت است. واکنش زاکانی و محسن رضایی به این نوع ادبیات کامل کننده این فرآیند بود. در حقیقت هرچند، زاکانی و رضایی از منظر جهت‌گیری سیاسی خلاف همتی و مهرعلیزاده سخن گفتند، اما در کلان مناظره، شکل و قالب مورد نظر آن دو را در مناظره تقویت نمودند.

با این حال نوع مواجهه اخلاق‌مداران رئیسی با حملات مهرعلیزاده و همتی و ادبیات سعید جلیلی در نقد رقیب، فضای مناظره را کاملاً در کفه هیجانات و احساسات فرو نبرد. این امر در کنار پرهیز قاضی زاده هاشمی از ورود به ضرب و شتم میان نامزدهای دیگر، کمک کرد تا فضای غالب مناظره در نگاه مردم، بی‌اخلاقی، اتهام زنی و تخریب نباشد. بر خلاف مناظرات سال ۹۶، افکار عمومی، هرچند رقابت را جدی یافتند، اما حرکاتی ناظر به عدم تمایل به قدرت و دوستداری خدمت را نیز در میان نامزدها مشاهده کردند.

مجموع این دو نگاه در مناظره، عملاً نگاه بخش دلسرد و نامتمایل به مشارکت را در انتخابات تغییر چندانی نخواهد داد. از سویی رأی سیاه هنوز متقاعد به حضور نشده است و از سوی دیگر، آراء خاکستری با این مناظره امید چندان جدیدی نسبت به انتخابات را دشت نکرده‌اند. در مجموع این مناظره در جابجایی آراء و حتی بالا بردن میزان مشارکت مؤثر نبود. تقریباً همه نامزدها در تثبیت جایگاه کنونی و پایگاه رأی فعلی خود موفق بودند. طرفداران همه نامزدها از رفتار، مواضع و کیفیت نقش‌آفرینی نامزد مورد حمایت خود راضی‌اند. از سوی دیگر آنهایی هم که به دلایلی چون ناکارآمدی، فقدان نامزد مطلوب یا عناد با حاکمیت تصمیم به عدم مشارکت داشتند، احتمالاً در

تصمیم خود پابرجا مانده‌اند. این مناظره به جز مقداری متلک و طعنه و اتهام، پیامی بیشتر از ده روز گذشته تبلیغات نامزدها به مردم ارائه نداد.

۳-۱. آرایش سیاسی مناظره

مناظره پانزدهم خرداد، پیروز مشخصی نداشت، اما آرایش سیاسی انتخابات را مطابق انتظار، به شکلی دقیق ترسیم نمود. درگیری اولیه میان همتی و رضایی پایه شکل‌گیری آرایش مناظره بود. در این آرایش، رئیسی به عنوان نامزد اصلی جبهه انقلاب و جریان اصولگرا، محور یک سمت قرار گرفت و زاکانی به عنوان یار پوششی او در این مناظره تثبیت شد. تلاش همتی و مهرعلیزاده برای نشان دادن رئیسی به عنوان رقیب اصلی و نمایشی بودن سایر نامزدها تقریباً موفق بود. در مقابل نیز، همتی، مطابق انتظار نامزد اصلی رقیب رئیسی معرفی شد. همتی خیلی زود توانست ادعای یک در برابر پنج را به راحتی به اثبات رساند. تقسیم کار مشخص میان همتی و مهرعلیزاده به چشم می‌خورد به گونه‌ای که اتهامات بی پایه و عبارت‌پردازی‌های تخریب‌گرانه و هزینه‌زا نظیر سندروم پست بی قرار، قدرت طلبی یا شش کلاس سواد، را مهرعلیزاده انجام داده و همتی با بهره‌مندی از این فرصت، نرم‌تر و بُرنده‌تر علیه رئیسی وارد عمل می‌شد. همتی با این عبارت که من برای شما احترام قائلم ادبیات خود را موجه می‌ساخت، اما با بیان نکاتی نظیر اینکه آیا من امان نامه دارم یا من یک شهروند ساده‌ام و شما رئیس قوه قضاییه هستید، تلاش کرد تا موقعیت خود را به عنوان گزینه مقابل حاکمیت تثبیت کند. با این حال، اتصال و انتساب او به دولت روحانی، همچنان مانع از شکل‌گیری کمپینی قدرتمند پیرامون اوست.

همچنین، همتی با مطرح کردن دیدگاه مخالف رضایی در خصوص FATF، عملاً دست او را برای ارائه چهره‌ای اعتدالی و فراجناحی بست و او را به جمع کاندیداهای انقلابی هل داد. در نتیجه، رضایی در کنار زاکانی به عنوان چالشگران اصلی وضعیت موجود و نامزد اصلی دولت، به ایفای نقش پرداختند. جلیلی و قاضی‌زاده کمتر به این چالش ورود کرده و تلاش کردند تا فضای کلی مناظره را به سوی مخالف هیجان و احساس سوق دهند. تلاشی که ناموفق هم نبود. جلیلی متعرض نامزدی به جز همتی نگردید، اما نه قامت یار پوششی به خود گرفت و نه خود را از زیر سایه رئیسی بیرون کشید. چه اینکه، جایگاه او و رئیسی نسبتاً واحد است و عملاً نمی‌توانند از هم فاصله زیادی داشته باشند. جلیلی نه می‌خواهد و نه می‌تواند که از رئیسی فاصله بگیرد و این یکی از موانع او برای اوج گرفتن در انتخابات خواهد بود. در مجموع کنش تیمی جریان اصولگرا در مناظره هم‌افزا و کاملاً متفاوت از ۹۲ بود.

۴-۱. مروری بر عملکرد نامزدها در مناظره نخست

ارزیابی عملکرد نامزدها در مناظره نخست، متوقف بر تخمین انتظار آنها از این مناظره است. در غیر این صورت، ارزیابی عملکرد آنها فاقد ارزش است.

سید ابراهیم رئیسی: رئیسی در قامت پیشتاز نظرسنجی‌ها، به عنوان مهمترین نامزد انتخابات وارد مناظره شد. مهمترین هدف رئیسی در این مناظره صیانت از سبد آراء خود بود. مهمترین امتیاز رئیسی در برابر سایر نامزدها، مردمی بودن و کارنامه او در مبارزه با فساد است. رئیسی در بهره‌برداری از شخصیت ضد فساد خود موفق بود،

اما در شرایط مناظره نخست، بیشتر ترجیح داد با تثبیت کاریزمای خود و فرصت بهره‌مندی از مظلومیت، به حفظ سبب آراء خود بیاندیشد. امری که شاید در مناظره اول عاقلانه و منطقی باشد. با این حال قرار گرفتن او در موضع رئیس قوه قضاییه، او را از کاراکتر سید محرومان در سال ۹۶، کمی دور ساخته است. هرچند قرار گرفتن او در موضع مظلومیت مجموعاً برای او مفید نخواهد بود. چه اینکه او بالاترین منصب رسمی را در میان نامزدها داراست. رئیسی برای ارائه برنامه‌های ایجابی و راه‌حل‌های خود برای عبور از مشکلات تلاشی نکرد. رئیسی در پایان مناظره تلاش کرد تا علاوه بر صیانت از پایگاه رأی اصلی خود که بدنه جریان انقلاب و طبقات پایین جامعه است، با قراردادن خود در موضعی فراجناحی و البته به روز، دستی هم به سبب رأی طبقه متوسط، رأی اولی‌ها (طرح مسأله گیمرها) و جوانان (استفاده‌کنندگان از شبکه‌های اجتماعی) بزند. رئیسی در مجموع در دفاع از خود در برابر اتهامات موفق بود، بهتر از مناظرات ۹۶ ظاهر شد و در ارائه مطلب و تحکیم شخصیت خود نسبتاً موفق بود. لحن رئیسی در ابتدای شروع به صحبت، زیر و به ظاهر بی‌حال و بی‌رمق بود که بیشتر آسیب‌پذیری در برابر حملات رقیب را تداعی می‌کرد. از حیث مدیریت زمان، چندان موفق نبود، در غالب موارد، صحبت‌هایش ناتمام می‌ماند و از زبان بدن به خوبی بهره نمی‌گرفت. آرامش و سکون رئیسی در هنگامه پاسخگویی به اتهامات بر نفوذ کلام او می‌افزود وطمأنینه او در وابسته نبودن به قدرت را متجلی می‌ساخت. نداشتن لبخند بیشتر حمل بر جدیت و اهتمام او بود با این همه، امتداد این چهره عبوس و جدی، می‌تواند به عدم ارتباط‌گیری مؤثر او با مردم منجر شود.

عبدالناصر همتی: همتی با هدف قرار دادن خود به عنوان اصلی‌ترین رقیب رئیسی وارد مناظره شد و تا حدودی به هدف خود دست یافت. تلاش همتی در این مناظره آن بود تا قابلیت‌های خود را به عنوان نامزد اصلی اصلاح طلبان نشان داده و از سوی دیگر نامزدهای دیگر را در جبهه مقابل خود تصویر کند. او با استفاده از واژه «پوششی» و «سوپر پوششی» در میانه‌های بحث، در خنثی‌سازی عملیات زاکانی علیه خود نسبتاً موفق بود. همتی در برابر رضایی نیز علی‌رغم ضرباتی که دریافت کرد، با ابداع واژه «گروگانگیر» جنبه منفی نظامی‌گری محسن رضایی را به مخاطب القا کرده و خود را کمی از فشار خارج سازد. موفقیت مهم همتی تثبیت موقعیت و مزیت خود به عنوان تک‌بودن در برابر پنج نامزد دیگر بود؛ امر که پایه‌ای برای حرکات بعدی او در مناظرات آتی خواهد بود. بخش دیگر تلاش همتی، نشان دادن ظرفیت خود برای نمایندگی بخش‌های ناامید از صندوق بود؛ همتی، علاوه بر این موارد، گوشه چشمی نیز به بخش زنان، رأی‌های سیاه، براندازان و رأی‌دهندگان غیر جریانی داشت. با این همه، همتی علی‌رغم قرار دادن خود در جایگاه رقیب اصلی، اماره‌هایی از یک رئیس جمهور قدرتمند را نشان نداد. تصریح او به اینکه مشکلات راه حل ندارند، مهمترین گاف همتی در این مسیر بود. او موفقترین فرد در اصلاح تصویر کنونی‌اش، بود. با این حال، مهمترین پاشنه آشیل همتی، انتساب او به روحانی است؛ همتی هرچند تلاش کرد تا خود را از روحانی جدا تصویر کند، اما مهمتر از انتساب شخصی، اندیشه او برای اداره کشور است که بی‌تردید امتداد روحانی است. به نظر می‌رسد مهمترین مانع همتی برای تبدیل شدن به رقیبی جدی در برابر رئیسی، همین مسأله باشد. همتی از ابتدا تا انتها با چهره‌ای عبوس و در هم کشیده ظاهر شد که با شخصیت معترض و تنهای او در برابر رقبا همخوانی داشت. با اینکه او در بیان جملات و مقصود خود تپق می‌زد، اما در استفاده از

زبان بدن موفقیت بیشتری داشت. در مجموع، همتی، به بخشی از اهداف خود در مناظره اول دست یافت. جمع بندی او در آخرین دقایق مناظره و رونمایی از کمپین بشمارده، نشان از موقعیت یابی خوب او در این مناظره دارد.

سعید جلیلی: جلیلی ۱۴۰۰، تفاوتی اساسی با جلیلی ۹۲ دارد. آنچه از جلیلی در این انتخابات دیده می‌شود، شخصیتی قوام یافته‌تر از سال ۹۲ است. با این همه، برخی ضعفها در برقراری ارتباط با توده‌های مردم و بخش خاکستری جامعه همچنان پابرجاست. جلیلی جزء معدود نامزدهایی بود که در مناظره اول، خود را به قامت رئیس جمهور نزدیک ساخت. نگاه و ورود جلیلی به مسائل قطع نظر از منظر عالمانه و انقلابی او، حکایت از نگاه جامع و راهبردی فردی آشنا به مسائل کشور و انقلاب اسلامی داشت. جلیلی البته نتوانست غلبه‌ای بر سایر نامزدها داشته و این امتیاز مهم خود را بر مناظره دیکته کند، از این رو او نیز از قامت یک رئیس جمهور همچنان فاصله مشخصی دارد. جلیلی در عین داشتن مزیت برنامه دار بودن و بهره مندی از نگاه کارشناسی، نتوانست آن را در حد ظرفیتش تبدیل به رأی کند؛ جلیلی قشر حزب الهی، طبقات محروم و مخالفین وضع موجود را هدف گرفته است. با این همه، جلیلی با ارائه چنین کاراگری تنها می‌تواند ظرفیت چهار میلیونی سال ۹۲ خود را باز یابد، ظرفیتی که میان او و رئیس مشترک است. او فاقد کاریزمای یک رهبر سیاسی است، امری که علاوه بر ساختار شخصیتی او تا حدی برخاسته از عنصر تواضع و عدم کبر او هم هست. از حیث مدیریت زمان موفق بود اما در بهره مندی از زبان بدن کم توفیق؛ خنده او هنگام سخنان همتی به تصویر کشیده نشد اما واکنش همتی به او مبنی بر اینکه نخبه‌پرانیها گریه دارد، برای او هزینه زا گردید.

محسن رضایی: محسن رضایی تفاوتی با سالهای گذشته نداشت؛ او همچنان فاصله‌ای مشخص از یک رئیس جمهور مقتدر و مسلط عمل می‌کند. از سویی علائم پیری در چهره و حرکات او نمایان است و از سویی، تجربه نامزدی دوره‌های گذشته برای او عایدی جز راهکارهایی برای افزایش رأی آن هم به شیوه‌های تقلیدی را به ارمغان نداشته است. او در مناظره نخست، از ظرفیت تقابل با دولت و حضورش در انتخاباتهای قبلی به خوبی بهره جست. او همچنین بخشی از ظرفیت خود در جلب آراء قومیتی را نیز نقد کرد. مهمترین دست آورد رضایی در این مناظره، زدودن اتهام خارج بودن از جبهه انقلاب با کمک همتی بود؛ او از این طریق توانست این بخش از آراء خود را تثبیت کند. در عین حال، رضایی از فرصت تقابل قبلی با روحانی نیز برای خود امتیاز گرفت. با این همه، رضایی همچنان در جلب توجه توده‌های مردم مانند گذشته ناموفق است. بخشهایی از صحبت‌های رضایی پا را از نقد فراتر گذاشته و به سیاه نمایی علیه مجموعه نظام تنه می‌زد. امری که بیشتر از آنکه به تضعیف همتی یا اقبال به او منجر شود، از مجموعه مشارکت خواهد کاست. تلاش او برای جلب آراء اقلیتها و اقوام، ممکن است تا حدی موفق باشد، اما مسلماً در نزاع با اصول اساسی انسجام و امنیت ملی کشور ارزیابی می‌شود. علاوه بر این، حملات همتی علیه او، نقاط مثبت او را کم ارزش جلوه داد. عبارت «گروگانگیر» و بحث درباره شیوه تحصیل او در دانشگاه، ضربات ساده‌ای بر آراء رضایی تلقی نمی‌شوند. ترمیم صورت، رضایی را غیر واقعی و لرزش دست و تیق هایش، شخصیت او را شکسته، پیر و متزلزل نشان داد. امری که مواضع درست و جملات به هنگام او را تا حدی از کار انداخته بود. به عنوان نمونه، او علی رغم اینکه می‌خواست اراده محکم خود برای حل مسائل کشور را به تصویر بکشد، فرتوتی متجلی در کلام و لرزش دستانش مانع از تحقق این ایده در قالب شخصیتی او می‌گردید.

علیرضا زاکانی: زاکانی چهره‌ای جدید برای عموم مردم بود. او در معرفی شخصیت ضد فساد خود موفق بود، اما نسبت نامزد پوششی تا حدی از موفقیت او کاست. زاکانی بیشتر مشغول زد و خورد با همتی بود. مهمترین بخش مورد نظر زاکانی، مخالفین وضع موجود بودند. با این حال، زاکانی با ادبیات تندتر و ضد فساد، جوانان عدالتخواه را بیشتر از سایر نامزدها متوجه خود ساخت. زاکانی بیانی رساتر داشت و از چهره و بدن خود در رساندن مقصود بهره خوبی برد. مدیریت زمان زاکانی خیلی خوب بود و نگاهش به همتی در هنگام حمله به او، تسلط او بر مناظره، رقیب و مسأله را تداعی می‌کرد. با این حال، هرچه زاکانی در ارائه تصویر ضد فساد و توانمند خود در مناظره موفق بود، در برابر مسأله پوششی بودن، منفعل شد و نتوانست استقلال خود را تثبیت کند. از این رو، سبب آراء زاکانی قبل و بعد از مناظره تغییر مهمی نخواهد کرد.

محسن مهرعلیزاده: مهرعلیزاده در تبیین خود به عنوان یک اصلاح طلب تا حدی موفق بود، اما قرار داشتن همتی در مرکز توجه اصلاح طلبان، موفقیت او را کم رنگ ساخت. مهرعلیزاده، رأی دهندگان جریان اصلاحات، آذری زبان‌ها و رأی‌های خاکستری را هدف قرار داده بود. او در ترمیم شخصیت خنثی و بی اثر سال ۸۴ خود، تا حدی موفق بود و تلاش کرد تا با حمله مستقیم به رئیسی برای خود اعتبار بخرد. تلاشی که با تندخویی او و پاسخگویی متین رئیسی به این اتهامات، ناکام ماند. خنده‌های مهرعلیزاده نتوانست او را متمایز کند؛ چه اینکه او برای بهره مندی از آن باید کمی از متنهای آماده‌اش هم فاصله می‌گرفت تا بتواند خودش باشد. ادبیات مهرعلیزاده نتوانست با کاراکتر او همخوانی پیدا کند. مهرعلیزاده کاملاً بر اساس سناریوی دیکته شده عمل کرد؛ امری که مصنوعی بودن کاراکتر او را بیشتر از گذشته تقویت کرد.

سیدامیر حسین قاضی زاده هاشمی: مزیت مهم قاضی زاده هاشمی در نسبت سایر نامزدها، بیان شیواتر و قویتر او در بیان مراد خود بود. او تلاش داشت تا خود را از زد و خوردها در امان نگه داشته و درگیر بازیهای زرد و سطحی سایر نامزدها نگردد. تلاشی که موفق نیز بود. او تلاش کرد تا با طرح موضوعاتی نظیر جوان بودن خودش یا مسأله سربازی، جوانان و افراد مواجه با مسأله سربازی را به خود متوجه کند. با این حال، ناشناخته و بی هویت بودنش در صحنه، موفقیت او در هدف گیری را مخدوش ساخت. ریش سپید او مانع بهره مندی او از امتیاز جوانتر بودنش گردید. قاضی زاده در سطحی پایینتر از جلیلی و رئیسی عمل می‌کرد و در همان سطح تلاش داشت تا نگاه غیر جناحی و کارشناسانه ارائه دهد. او با پرهیز از ورود به نزاعهای در جریان و مذمت این رفتار در دو مقطع از سخنان خود تلاش داشت به بیان ایده‌هایش بپردازد، اما در القای گفتمان خود به مناظره ناموفق بود. او که در میان نامزدهای اصلی جایی و نتوانست از این مناظره برای خود اعتبار و فرصتی تازه بخرد. قاضی زاده ناشناس به مناظره آمد و بدون آسیب از آن خارج شد.

۵-۱. جمع بندی

به نظر می‌رسد مناظره نخست با موفقیت نسبی همتی و رئیسی به عنوان دو نامزد اصلی پایان یافت. همتی در معرفی خود موفق بود و رئیسی در صیانت از پایگاه رأی خود به درستی عمل کرد. محسن رضایی در این مناظره موفق نبود، اما تصحیح تصویر انقلابی او در بدنه اجتماعی جریان انقلاب، دست آوردی مهم برای اوست. رضایی

با ادامه این نقش آفرینی و با کاستن از میزان سیاه نمایی‌اش از وضعیت کشور، می‌تواند، نیرویی اثرگذار در روزگار پس از انتخابات باشد؛ امری که از سال ۸۸ از آن فاصله گرفته است. سعید جلیلی نیز علی‌رغم عدم توفیق در توسعه سبب آراء خود، دست آوردی مهم داشت. او از شخصیتی منفرد، دور از جامعه و دست خالی، می‌تواند به یکی از شخصیت‌های اثرگذار جریان انقلاب تبدیل شود.. با این همه، آراء او تا حد زیادی با آراء رئیسی مشترک است. در حقیقت هرچه بر رأی او افزوده می‌گردد، از آراء رئیسی کاسته خواهد شد. زاکانی، به جز چند خطا در برخورد غیر اخلاقی و نادرست با رقیب، عملکرد خوبی داشت و به عنوان یار کمکی در مناظره‌های بعدی نیز می‌تواند موفق باشد. قاضی زاده، بعید است بتواند فراتر از این عمل کند. اما مهرعلیزاده، مهره‌ای ارزشمند برای جریان انقلاب است. او رقیبی است که در درون و بیرون رقابت به سود شما عمل می‌کند. حملات او علیه رئیسی بیشتر به سود رئیسی خواهد بود و ماندن او در عرصه انتخابات می‌تواند آراء سیاسی و قومیتی هم‌تی را بشکند.

۲. تحلیلی بر دومین مناظره انتخابات ریاست جمهوری سیزدهم

۲-۱. مناظره؟

آنچه در نقد ساختار مناظره در تحلیل مناظره قبلی به رشته تحریر در آمد، در مناظره دوم، داد خود نامزدها را نیز درآورد. ساختار نادرست و غیر کارشناسی مناظرات تلوزیونی، بهترین فرصت آگاهی بخشی نامزدها به مردم و شناخت و ارزیابی مردم نسبت به نامزدها را گرفته است. سؤالات نامتوازن، پراکنده و دور از مسائل اصلی و واقعی کشور و جامعه، از سویی نامزدها را به سمت فضای خنثی و بی اثر سوق داده و از سوی دیگر فرصت پنهان سازی نقص‌ها، ناآگاهی‌ها و نادرستی‌های آنها را در ورای همین نقص، فراهم ساخته است. ابتدا هم‌تی در راستای فاصله گذاری خود از حاکمیت، ساختار مناظره را به چالش کشیده و رسانه ملی را متهم به انحصارگرایی در طراحی مناظره کرد. سپس سعید جلیلی با اختصاص یک بخش از زمان خود، سیاق مناظرات را به چالش کشید و گفت این سبک مناظره، کمکی به مردم برای انتخاب فرد اصلح از میان نامزدها نخواهد کرد. قاضی زاده هاشمی، رضایی و زاکانی نیز در ادامه از سخنان جلیلی حمایت کردند و مهرعلیزاده نیز در پایان سخنانش به ساختار مناظره تاخت. تنها سید ابراهیم رئیسی بود که متعرض ساختار مناظره نگردید.

پاسخگویی همه نامزدها به تعداد محدودی سؤال واحد از میان مسائل و مشکلات اساسی و واقعی مردم و کشور، از سویی عیار واقعی نامزدها در برابر یکدیگر را مشخص کرده و از سوی دیگر قدرت انتخاب مردم میان نامزدهای مختلف را افزایش می‌دهد. این دو امر، به شکلی هم افزا، بر میزان مشارکت در انتخابات نیز مؤثر خواهد بود. در کنار این تغییر، تقویت جایگاه مجری برای اداره مناظره و ممانعت از فرار نامزدها از پاسخ به سؤال مشخص می‌تواند تا حد زیادی مانع از میدان داری هیجانات کاذب و هیاهوها و نزاع‌های بی مایه گردد.

۲-۲. از پایان مناظره اول تا آغاز مناظره دوم

گذر از مناظره نخست نامزدهای انتخابات ریاست جمهوری، با انتقادات متعددی نسبت به بی اخلاقی، اتهام‌زنی و نزاع‌های بی حاصل در آن، همراه بود. واکنش‌های منفی بسیاری از تحلیل‌گران، سیاسیون، فعالان رسانه‌ای و توده های مختلف مردم، تقریباً همه نامزدها و صدا و سیما را نسبت به تغییر رویه در مناظره دوم قانع کرده بود. از این

رو، خبرنگار رسانه ملی در بدو ورود از هر نامزد می‌پرسید آیا قول می‌دهید که در این مناظره به سهم خود جلوی بی‌اخلاقی را بگیرید؟ مناظره دوم، زیر سایه این فشار آغاز گردید. بر خلاف مناظره اول، خبری از هیاهو و تنش در آغاز مناظره نبود. به نظر می‌رسد علاوه بر فشار افکار عمومی، تغییر تاکتیک نیز در این تغییر رویه مؤثر بوده باشد. رضایی، زاکانی و همتی به عنوان رؤوس اصلی نزاع در مناظره اول، با احتیاط و دقت مناظره را آغاز کردند. رئیسی، جلیلی و قاضی زاده نیز در همان قالب قبلی وارد بحث شدند. تنها مهرعلیزاده بود که تلاش کرد با حمله مجدد به رئیسی فضای مناظره را تند کند، که البته موفق هم نبود.

۲-۳. آرایش نامزدها

آرایش سیاسی نامزدها در این شرایط، تغییر چندانی با مناظره نخست نداشت. تنها تغییر عمده به محسن رضایی باز می‌گشت که تلاش کرد مرز خود را با سایر نامزدهای هم دسته کمی مشخص کرده و زمینه استقلال خود در روزهای آتی را فراهم کند. او ابتدا صریحا به پوششی نبودن خود اذعان کرد و سپس در لابلای کلام خود تلویحا از درست تر بودن ماندن رئیسی در قوه قضائیه و اصلحیت خود در این انتخابات گفت. رئیسی همچنان به عنوان نامزد پیشتاز جبهه انقلاب محور حملات همتی و مهرعلیزاده بود، زاکانی در همان جایگاه پوششی هوشمندانه تر عمل کرد و قاضی زاده و جلیلی نیز در همان فرم قبلی به ایفای نقش پرداختند.

۲-۴. نگاهی به عملکرد نامزدها در مناظره دوم

مرور عملکرد نامزدها در مناظره دوم، بدون توجه به اهداف کلان آنها در انتخابات، اهداف مورد نظر در هر مناظره و کیفیت عبور از مناظره نخست تا مناظره دوم ممکن نخواهد بود.

سیدابراهیم رئیسی: هدف‌گذاری رئیسی در مناظره دوم نیز مانند مناظره نخست بود. صیانت از پایگاه رأی به عنوان نامزد پیشتاز. رئیسی مناظره دوم را با ابتکاری خوب آغاز کرد. او با اشاره به دلجویی آذری‌ها از او، از فرصت پاسخگویی که کمیسیون نظارت بر تبلیغات در اختیار او قرار داده بود، گذشت. رئیسی در این مناظره کمتر مورد تهاجم مستقیم و جدی قرار گرفت، به همین دلیل بر خلاف مناظره نخست فرصت داشت در موضوع مورد بحث یا دیدگاه سایر نامزدها سخن بگوید. رئیسی هوشمندانه ترجیح داد به نزاع مستقیم با سایر نامزدها نپرداخته و ایده و نگاه خود را در موضوعات مختلف تبیین کند. او در واکنش به برخی انتقادات و هجمه‌ها به او، مانند مناظره قبل موفق عمل کرده و با طرح مسأله گشت ارشاد مسئولان در واکنش به انتقاد همتی از مسأله گشت ارشاد، تصویر فسادستیز خود را تقویت نمود. دین‌مداری، متانت و اخلاق همچنان از اصول رقابت او هستند. رئیسی به مثابه مناظره نخست تلاش کرد تا با بیان این نکته که پایبندی به برنامه‌ها و اسناد کلان به خودی خود نقش مؤثری در پیشبرد امور ندارد، بر عدم وجود یک مدیر جهادی و پیگیر به عنوان حلقه مفقوده این ساختار تأکید کند. رئیسی در بخش‌های نخست مناظره، در مناظره قبلی و بلکه در دوره قبلی انتخابات مانده و همچنان از اهانتها به خود سخن می‌گفت و تلاش می‌کرد موضع مظلومیت خود را تقویت کند. به نظر می‌رسد چنین تصویری نه با قامت رئیس دستگاه قضا و نه با نامزد پیشتاز نظرسنجی‌ها که مطالبه اصلی از او برخورد قاطع با فساد و بی‌عدالتی است، سازگار نباشد. کم‌رمقی آغاز به کلام او در این مناظره تکرار نشد، اما در استفاده از زبان بدن، لبخند و نگاه به رقیب

در موارد لزوم موفق نبود. رئیسی در مجموع این مناظره ناموفق نبود اما ممکن است درصدی از آراء خود را به نامزدهای دیگر جریان انقلاب داده باشد.

عبدالناصر همتی: همتی که در تحقق هدفش در مناظره نخست مبنی بر تعریف خود به عنوان رقیب اصلی رئیسی موفق بود، در مناظره دوم به دنبال تثبیت جایگاه خود در برابر رئیسی و فعال سازی آراء فعالا مردم یا خاموش به سود خود بود. همتی در مناظره دوم دو تغییر عمده نسبت به مناظره نخست داشت که هر دو ناشی از بازخورد منفی او از مناظره نخست بود؛ اولاً او تلاش کرد آغازکننده نزاع نباشد و ثانیاً خبری از روخوانی متن‌های آماده نبود. همین دو تغییر مجموع کنش همتی در این مناظره را به نسبت مناظره قبل تضعیف کرد. همتی برای تحقق اهدافش در این مناظره نیاز به مواضع رادیکال و بازآفرینی نقش روحانی در مناظرات سال ۹۲ داشت و در هر دو امر نیز ناموفق عمل کرد. اولی به واسطه هوشمندی رقیب در عدم تکرار حملات همه جانبه به او و دومی به واسطه ناتوانی شخصی او در بازیگری و انتقال سریع در نقش. همتی اتخاذ مواضع رادیکال را از همان بدو ورود به محل برگزاری مناظرات در پاسخ به سؤالات خبرنگاران آغاز کرد و با توصیف انتخابات به میدان انتخاب میان بازگذاشتن راه نفس مردم یا مسدود ساختن آن، از راهبرد خود در این مناظره پرده برداشت. با این حال، همتی برای جا انداختن بحث خود به حملات زاکانی و رضایی نظیر مناظره قبل نیاز داشت، فرصتی که با هوشمندی رقیب در اختیارش قرار نگرفت. بخش دیگر تلاش همتی در این مناظره استفاده از استراتژی رقیب هراسی بود؛ همتی با ذکر کلید واژه‌هایی نظیر «حسینیه کردن کاخ سفید»، «حمله به سفارت عربستان» و «کاسبی از تحریم» تلاش کرد تا خطر افراطی‌گری را در صورت پیروزی رقیب به جامعه هشدار دهد. تلاش دیگر همتی در این مناظره هدف گرفتن بخش‌های مستعد رأی دادن به او در جامعه بود. وعده همتی در به کارگیری اقلیت‌های مذهبی یا استفاده سه برابری از زنان در دولت خود، از یک سو و نام بردن از اقوام، معتادان، کولبران، محرومین و معلولان از سوی دیگر، در همین راستا صورت گرفت. اشاره او به استفاده از یک مشاور اهل تسنن در بانک مرکزی در دوران مسئولیتش، شاید موفق‌ترین قسمت این راهبرد بود. پل زدن میان میدان و دیپلماسی در کنار نام بردن از شهید سلیمانی و ظریف در لابلای کلامش، تلویحا نگاه او در سیاست خارجی را نیز به مخاطب القا کرد. امری که همتی در مناظره سوم و به حسب موضوع و شرایط، احتمالاً صریح‌تر از آن سخن خواهد گفت. همتی در فرصت پایانی صحبتش، تلاش کرد تا با استفاده از سخنان آخر رئیسی، خود را در موضع مظلومیت قرار داده و از همین طریق مواضع رادیکال خود را تکمیل کند. در مجموع همتی در مناظره دوم، پراکنده کار و مشوش عمل کرد؛ پراکندگی و وسعت واژگان و موضوعاتی که همتی در مناظره دوم به آنها پرداخت، مخاطب را گیج و تصویری مغشوش و بدترکیب را از او ارائه کرد.

سعید جلیلی: جلیلی در مناظره دوم تفاوت چندانی با مناظره نخست نداشت، اما ابعادی جدید از شخصیت خود را بروز داد. اگرچه او با همان زاویه نگاه و بعضاً تکرار همان عبارات مناظره نخست، وارد مناظره دوم گردید، اما چالش او با همتی در نیمه دوم مناظره، در بهبود تصویر او مؤثر بود. نقطه اوج جلیلی در این مناظره، ادبیات او در نقد شیوه برگزاری مناظرات بود. ادبیاتی که اولاً سایر نامزدها را به حمایت از او واداشته و ثانیاً تفاوت سطح او با

سایر نامزدها در برخورد با مسائل را نشان داد. جلیلی در بخشی از سخنان خود در واکنش به استفاده ایزاری همتی از زنان و کولبران، به نقد شیوه نمایشی بهره برداری از زنان در تبلیغات انتخاباتی و بیان تجربه مستقیم خود از مواجهه با کولبران پرداخت. جلیلی همچنین با بیان اینکه دولت مانع از اعلام نظر قطعی مجمع تشخیص مصلحت نظام درباره FATF شده، دست همتی برای طرح مجدد این مسأله را بست. جلیلی در این مناظره نیز نتوانست آراء بالقوه خود را بالفعل کند. او برای تحقق این مقصود باید نگاه خود را از طریق بیان مثال‌هایی ملموس برای جامعه القا کند؛ امری که تا حدودی در این مناظره در آن توفیق داشت. در مجموع جلیلی در مناظره دوم ناموفق نبود و احتمالاً با رشد کمی در میزان اقبال عمومی مواجه خواهد شد.

محسن رضایی: رضایی که در مناظره نخست توانسته بود خود را به عنوان رکنی اصلی در انتخابات مطرح کرده و با تیزی حملات خود علیه همتی و دولت کنونی، موقعیت خود را در آرایش سیاسی تثبیت کند، در مناظره دوم تلاش کرد تا با رقبای خود درون جبهه انقلاب مرزبندی کند. او ابتداء استقلال نامزدی خود را تصریح کرده و شائبه پوششی بودن را از خود زدود. سپس در بخشی از صحبت‌هایش، با زیرکی خود را رئیس دولت آینده فرض کرده، از همکاری با رئیسی در قوه قضائیه و مجلس انقلابی برای حل مشکلات مردم سخن گفت. رضایی در این مناظره همچنین تلاش کرد تا سبب آراء خود را توسعه دهد؛ اقوام (ترک زبان‌ها، لرها، زاگرس‌نشین‌ها)، اقلیت‌های مذهبی، محدودیت‌های زنان ورزشکار و نام بردن از خواهران منصوریان، معلمان و زنان سرپرست خانوار، بخش‌های هدف رضایی در مناظره دوم بودند. رضایی در این مناظره نیز ادبیاتی در نقد اوضاع کنونی به کار برد که بیشتر به سیاه‌نمایی شبیه بود. رضایی در ساختن واژه‌ها نیز مانند مناظره قبلی پرکار بود؛ «حرف درمانی»، «امید خوردن»، «جارو برقی» و «دولت خواب آلوده» از ابداعات جدید او بودند. استفاده از شوخی کاربران با گاف او در نیمه اول و در آغاز نیمه دوم، در برابر حجم انتقاد به خطای او در بیان واژه ترکی، چندان برای رضایی مؤثر عمل نکرد. کند کردن تیزی انتقاد از همتی و دولت روحانی و سرد شدن مجموع مناظره، او را از کانون منازعه خارج ساخت. علائم پیری و شکستگی همچنان کارکردی منفی در ارائه تصویر از او دارند. کمپین رضایی در هدف‌گیری بخش‌های مختلف رأی‌دهندگان منسجم نیست. بخش‌های انتخاب شده بعضاً پراکنده یا متعارض‌اند و این امر پایان‌خوشی در انتخابات برای رضایی نوید نمی‌دهد. رضایی در مجموع در مناظره دوم ناموفق‌تر از مناظره اول عمل کرد و احتمال ریزش آراء او در روزهای آتی کم نخواهد بود.

علیرضا زاکانی: هدف زاکانی از مناظره نخست، تعیین جایگاه مناسب بود، امری که نسبتاً در آن موفق نیز گردید. او در مناظره نخست حمله همه‌جانبه را در دستور کار داشت، اما به چند دلیل در مناظره دوم تاکتیک خود را تغییر داد؛ نخست دریافت بازخوردهای منفی پس از مناظره اول (نظیر همتی)، دوم تلاش برای بهبود تصویر از خود و سوم و مهم‌تر از همه، تغییر تاکتیک تیمی برای گرفتن فرصت مظلوم‌نمایی و فرافکنی از همتی. زاکانی در این مناظره تلاش کرد تا حملات پیاپی علیه همتی را با نقطه‌زنی‌های مؤثر و دقیق جایگزین ساخته و بیشتر به معرفی خود بپردازد. او در هر دو امر موفق بود؛ تسلط و اشراف زاکانی بر خود، مناظره، اطلاعات و پاسخگویی رسا و بلیغ به سایر نامزدها، بار دیگر او را در این مناظره برجسته ساخت. زاکانی که در مناظره نخست برچسب پوششی بودن

را دریافت کرده بود، در این مناظره بر خلاف محسن رضایی تلاشی برای زدودن آن نکرد. امری که همچنان سبد آراء او را متزلزل و کم رمق خواهد ساخت. با این حال، تلاش او برای مرزبندی با محسن رضایی، تا حدی به هویت یابی مستقل او کمک کرد. او در این مناظره نیز مشخصاً ناراضیان از دولت فعلی را هدف قرار داده بود. هرچند زاکانی در نزد توده مردم به عنوان یک رئیس جمهور تصویرسازی نشد، اما جایگاه او به عنوان یک سیاستمدار انقلابی، ضد فساد و خوش آتیه در سپهر سیاسی اصولگرایان و جریان انقلاب به شدت تقویت گردید. زاکانی در این مناظره نیز ناموفق نبود، اما عایدی کم مجموع مناظره، از سهم موفقیت او نیز کاست.

سیدامیرحسین قاضی زاده هاشمی: بی شک، قاضی زاده، پدیده مناظره دوم بود. قاضی زاده در مناظره دوم تلاش کرد با ورود به موقع و محترمانه به نزاع میان نامزدها، هویت خود در این انتخابات را پی ریزی کند. قاضی زاده در هدف‌گیری بخش‌های رأی دهندگان نیز منسجم و هم افزا عمل کرد. او با محور قرار دادن جوانان به عنوان مسأله اصلی، به حوزه‌های اصلی مسائل جوانان نظیر سربازی، کنکور، مهاجرت نخبگان و بی‌ارتباطی تحصیلات با مهارت مورد نیاز برای ورود به بازار کار، پرداخت. هرچند همتی بحث کرونا را اولین بار در این مناظره مطرح ساخت، اما قاضی زاده نامزدی بود که به چالش‌های اصلی پیرامون مسأله کرونا پرداخت. او میزان مرگ و میر ناشی از کرونا را به نسبت بالا دانست و شیوه اطلاع‌رسانی تلویزیون در بیان آمار را نقد کرد. او در نقد استفاده نمایشی و ابزاری از زنان در انتصابات سایر نامزدها، به طعنه گفت من همه دولت‌م را از بانوان تشکیل می‌دهم. هوشمندی او در نقد وزارت خارجه و ورزش در ربایش میزبانی بازی‌های مقدماتی جام جهانی در لابلای تبریک پیروزی تیم ملی، قابل توجه بود. در مجموع قاضی زاده در مناظره دوم رشد داشت و احتمالاً در روزهای آتی اقبال به او نیز افزایش بیشتری خواهد یافت. او با نقش آفرینی در این مناظره، به سبد آراء رئیسی، جلیلی، رضایی و زاکانی دست برد و حتی بخش‌هایی از مرددین را نیز متوجه خود ساخت.

محسن مهرعلیزاده: مهرعلیزاده همانطور که خود گفته است، تنها با یک هدف وارد مناظرات می‌شود: حمله به رئیسی. با این حال، از توپ پر او در مناظره قبل، در این مناظره جز چند ترقه باقی نمانده بود. تغییر شیوه او به نخواندن از روی متن، کنشگری او در مناظره را با لکت و تأخیر همراه ساخته و بهره‌برداری او از زمان را تضعیف کرده بود. متن پایانی او تند و ساختارشکنانه بود اما با کاراکتر او همخوانی نداشت. اظهارات تند علیه رئیسی و بیانیه ساختارشکنانه پایانی او نشان می‌دهند، هدف‌گذاری مهرعلیزاده نیز به مانند همتی بیشتر بر آراء سیاه و قهرکنندگان از صندوق است. در مجموع مهرعلیزاده که جزء ضعیف‌ترین‌های مناظره نخست بود، در مناظره دوم نیز توفیق چندانی نیافت.

۲-۵. جمع بندی

مناظره دوم بیش از هر چیز مظلومیت فرهنگ در زیربنای حکمرانی کشور را به رخ کشید. از یک سو، سؤالات مهم پیرامون مسائل فرهنگی کشور و جامعه، در میان سؤالات پراکنده و نامتوازن مناظره دیده نمی‌شد و از سوی دیگر، هیچ نامزدی متعرض مسأله زیربنایی فرهنگ نگردید. نگاه سیاست‌زده و ضد فرهنگ برخی نامزدها فرهنگ

را به نام بردن از چند هنرمند مهجور و معترض منحرف ساخت و نگاه پوپولیستی به حکمرانی، مسائل مهم اجتماعی را به گدایی رأی از فلان قوم و اقلیت و قشر تنزل داد. در نتیجه، مناظره دوم، مجموعاً ضعیف‌تر از مناظره نخست بود و به نظر نمی‌رسد تأثیر مثبتی در میزان مشارکت در انتخابات بگذارد. همتی که مناظره دوم را نسبتاً ناموفق پشت سر گذاشت، تنها شانس خود برای تحریک آراء ناامید و سیاه را در مناظره سوم دنبال خواهد کرد. رئیسی، هرچند احتمالاً بدون آسیب جدی از این مناظره عبور کرده است، اما برای مناظره بعدی که به نوعی اصلی‌ترین مناظره خواهد بود (هم از حیث زمان تا انتخابات و هم از حیث موضوع مورد بحث که سیاست داخلی و خارجی است)، به یک آمادگی بیشتر نیازمند است. مهرعلیزاده همچنان مهره‌ای ارزشمند است، رئیسی نسبت به حملات او واکنش داده اما ماندنش در میدان رقابت تا انتخابات می‌تواند تعیین‌کننده باشد. رضایی، فاصله گرفتن از سایر نامزدهای جبهه انقلاب را آغاز کرده و در هفته آتی آن را شدت خواهد بخشید. زاکانی در جایگاه رأی آوری باز هم توفیق زیادی نداشت، اما در جایگاه کمکی، موفق بود. قاضی زاده هاشمی، با جبران نقیصه مناظره قبل درخشید و موفق‌ترین نامزد این مناظره بود. و اما جلیلی؛ او در این دو مناظره ابداً در قامت یار کمکی ظاهر نگردیده اما نشانی بر تقابل با رئیسی نیز در او دیده نمی‌شود. کلام آخر آنکه، انتظار می‌رود، طراحان مناظره نسبت به انتقادات وارده، بی تفاوت نباشند. تغییر در مناظره سوم و اصلاح نقاط ضعف آن در حد امکان، بیش از هر چیز به سود مشارکت در انتخابات خواهد بود.

۳. تحلیلی بر سومین مناظره انتخابات ریاست جمهوری سیزدهم

۳-۱. راند آخر

سومین مناظره انتخابات ۱۴۰۰ با تغییراتی اندک نسبت به دو مناظره قبل انجام گرفت. انتقادهای فراوان به فرم و محتوای مناظره، طراحان مناظره را وادار کرد تا در این وقت اندک، تغییراتی را در ساختار مناظره اعمال کنند. در مقایسه سه مناظره، مناظره اول کم‌تحرک، مناظره دوم خنثی و مناظره سوم چالشی بود. طرح یک محور واحد برای اظهار نظر نامزدها و اختصاص وقتی بیشتر برای هر نامزد، عملاً مناظره سوم را برای نامزدها و مردم مفیدتر کرد. با این حال، مناظره برای تبدیل شدن به ابزاری موثر برای تحقق اهداف نظام در انتخابات پرشور و انتخاب درست، راه درازی در پیش دارد، مساله‌ای که باید در زمان و محملی دیگر بدان پرداخت.

تفاوت دیگر مناظره سوم با مناظرات قبلی، نقش آفرینی زمینه‌های فرامناظره‌ای بود؛ رویدادسازی‌های برخی کاندیداها در فاصله مناظره دوم تا سوم، دیدارهای برخی نامزدها با چهره‌های مطرح، ارزیابی صورت گرفته از واکنش سران قبایل، اقوام و اقلیت‌ها و بازخوردهای مناظره دوم در رسانه‌ها و فضای مجازی، بر کلیت مناظره سوم سایه افکند و عملکرد هریک از نامزدها را دست‌خوش بیم و امید کرد.

همچنین، تجربه انتخابات‌های گذشته نشان داده است آخرین مناظره مهم‌ترین تأثیر را بر نتایج انتخابات خواهد داشت. از این رو همه نامزدها تلاش داشتند راهبردی را به کار گیرند که منافع آنها را بیشتر تامین کند. از این رو

رئییسی به عنوان نامزد پیشنهاد در پی صیانت از پایگاه رأی خود بود و همتی به عنوان مهم ترین رقیب او در جریان سیاسی رقیب، برای ریزش آرای رئییسی و فعال کردن پایگاه رأی خاموش خود وارد مناظره شد.

۳-۲. آرایش نامزدها در مناظره سوم

آرایش اصلی نامزدها در مناظره سوم، تغییر نداشت. اما چند اتفاق مهم در این مناظره بر آرایش نهایی موثر خواهد بود. نخست، ناکامی همتی در ایجاد یک دوقطبی کامل با رئییسی، عملاً شانس او را برای رقابت با رئییسی از میان برد. زمزمه های سکوت انتخاباتی اصلاح طلبان در روزهای گذشته نشان می داد آنها از همتی ناامیدند و با پایان این مناظره احتمالاً بر چنین تصمیمی اجماع خواهند کرد. درباره دلایل این تصمیم در جای دیگری باید سخن گفت، اما اجمالاً آنها تمایلی ندارند هزینه های شکست در یک انتخابات را بی جهت به حساب خود بنویسند. دومین اتفاق مهم ناظر بر آرایش انتخابات، فاصله گذاری سعید جلیلی با ابراهیم رئییسی بود؛ امری که خروجی آن احتمالاً ماندن سعید جلیلی تا پایان انتخابات در صحنه است. سومین عامل موثر در آرایش نهایی نامزدها، عملکرد محسن رضایی در این مناظره است که تلاش کرد از نزاع اصلی مناظره بیرون بماند؛ امری که ممکن است او را از یک ضلع اصلی انتخابات خارج سازد.

۳-۳. فصل مشترک ۳ مناظره؛ دستبرد به منافع ملی برای پر کردن سبد آرا

یکی از الزامات مهم یک رئیس جمهور، درک و فهم درست او از منافع ملی و توان و ظرفیت او برای تامین و تقویت آن ضمن برنامه ها و ایده های خود برای اداره کشور است. با این حال، یکی از قربانیان مهم مناظره ها در سال های اخیر، منافع ملی است. برخی نامزدها برای خروج خود از بن بست، هدف گرفتن آرای سیاه و فاصله گذاری با حاکمیت، به جای تبیین توانایی و برنامه های خود یا نقد و از کار انداختن راهبرد رقیب، از آن سوء استفاده می کنند. حتی برخی از آنها برای رسیدن به سکان هدایت این کشتی، حاضرند آن را غرق سازند. سه مناظره اخیر نیز از این امر مستثنی نبود. ادعای مهندسی انتخابات، حمایت از یک جاسوس فراری و آوردن نام او در مناظره اول، سیاه نمایی گذشته انقلاب و نظام به بهانه نقد دولت یا دولت های قبل، پرداختن به گسل های قومی و اقلیت های مذهبی و استفاده از واژگان و اصطلاحاتی چون «رأی بی رأی»، «۵۰ سال گرانی، بیکاری و رشد اقتصادی معیوب»، «مردم بین نان و جان مانده اند» و پرده برداری از فساد های این و آن، بخش هایی از این خطای راهبردی اند. با این همه میان نامزدها، فهم و التزام سعید جلیلی و سید ابراهیم رئییسی نسبت به منافع ملی درست تر و بیشتر از سایرین بود.

۳-۴. نگاهی به عملکرد نامزدها در مناظره سوم

تعیین موفقیت یا عدم موفقیت نامزدها در مناظره سوم، مبتنی بر اهداف آنها قابل تخمین است. بر این اساس، صرف کم شدن یا زیاد شدن آرا به تنهایی نمی تواند به موفقیت یا عدم موفقیت نامزدی منتج شود. سید ابراهیم رئییسی: رئییسی احتمالاً موفق ترین نامزد مناظره سوم است. رئییسی هوشمندانه آغاز کرد و نسبتاً خوب هم پایان داد. رئییسی در این مناظره مانند دو مناظره قبل، توانست به خوبی از سبد آرای خود به عنوان نامزد پیشنهاد صیانت کرده و موفق تر از آن دو، به سبد آرای خود بیفزاید. او با اشراف به نقطه قوت خود در اقبال عمومی و پیشنهادی در نظرسنجی ها، تحدی کرده و رقیب را به رفتن میان مردم دعوت کرد. او در بیان نقاط قوت خود به خوبی

از سوابقش در آستان قدس و قوه قضائیه بهره گرفت. رئیسی در عرصه سیاست خارجی به‌عنوان یکی از نقاط آسیب‌پذیر خود، هوشمندانه عمل کرد و به تصدیق بسیاری از تحلیلگران سیاسی مهم‌ترین عبارت این انتخابات را در همین بخش خطاب به همتی بیان کرد: «شما برجام را نمی‌توانید اجرا کنید، اجرای برجام دولت مقتدر می‌خواهد؛ البته اقتدار خارجی امتداد داخلی است.» او در برابر حملات همتی نیز بهتر از مناظره نخست عمل کرد و هجمه‌های متعدد او را با طمأنینه پاسخ داد «دوقطبی با شما ایجاد نمی‌شود»، ضربه‌ای مهلک به همتی بود. با این حال، موضع او در برابر اسامی بدهکاران بانکی که همتی به او داد، افکار عمومی را حین مناظره قانع نکرد. ورود رئیسی به موضوع آبان ۹۸ تا حد زیادی برای مخالفان او غیرمنتظره بود. آرامش و تسلط رئیسی در این مناظره به او فرصت داد علیه رقیب حملات خوبی سامان دهد. او در نقطه‌ای، مستقیماً علیه روحانی موضع گرفت؛ ابتدا در پاسخ به انتقاد مهرعلیزاده از سفر به خوزستان و سپس در بحث آبان ۹۸. او عدم تبعیت روحانی از نظر کارشناسان بهداشتی در نوروز ۹۹ و ۱۴۰۰ را سبب‌ساز هزینه‌های بسیاری به کشور دانست و در بحث آبان ۹۸، صریحاً روحانی را مقصر اجرای بد قانون بد و حوادث پس از آن دانست. رئیسی در این مناظره بیشتر، بهتر و بهنگام‌تر از لیکند بهره گرفت و از این طریق با مخاطب ارتباط بهتری برقرار ساخت.

سعید جلیلی: جلیلی مناظره سوم را بد آغاز کرد اما خوب پایان داد. او هفت دقیقه آغازین خود را به بدترین نحو مصرف کرد و فرصت طلایی برای تبیین مزیت خود برای مخاطب را هدر داد. او نیز مانند رئیسی سعی کرد از دایره دین و تقوا خارج نشود. جلیلی در این مناظره به‌واسطه حملات همتی، فرصت بیشتری برای ورود به مباحث سیاست خارجی به‌عنوان حوزه تخصصی خود یافت. او در موضوع برجام و FATF صریح‌تر از هر زمان موضع گرفت و در مقابل نقدها و بعضاً اتهامات همتی محکم ایستاد. جلیلی حتی در این مساله، به فاصله‌گذاری با رئیسی پرداخت. این رفتار جلیلی ممکن است برخاسته از تصمیم او برای ماندن در انتخابات باشد؛ اما احتمال دیگری هم هست؛ جلیلی با ابراز این تمایز (به‌صورت خواسته یا ناخواسته) عملاً هزینه تقابل با مشی کنونی دستگاه دیپلماسی را تقبل کرد و از این طریق راه را برای سرازیر شدن آرای خاکستری به‌سمت رئیسی و برداشت از بخشی از سبد رأی رئیسی به‌نفع خودش هموار کرد. او در میانه‌های بحث به برنامه‌های یک‌شنبه و سفارش به اندیشکده‌ها برای تدوین برنامه انتقاد کرد و گفت رئیس‌جمهور خود باید مسائل را وجدان کرده و تصمیم‌گیر باشد. نقدی که بیشتر از هر نامزد متوجه سیدابراهیم رئیسی بود. جلیلی در این مناظره نیز مانند دو مناظره قبل، خود را در قالب فرم مرسوم تبلیغات تلویزیونی قرار نداد و با حاشیه کمتری به تبیین برنامه و دیدگاه خود پرداخت. بخش مهم تلاش جلیلی در مناظره سوم بازهم به تبیین جایگاه و اختصاصات رئیس‌جمهور اختصاص داشت و با تکیه به تلاش هشت‌ساله‌اش در دولت سایه، برتری خود را بر سایر نامزدها گوشزد کرد. سخن پایانی جلیلی بیانی کوتاه از مبنا و اصول او در سیاست‌ورزی تکلیف‌مدارانه داشت. در مجموع جلیلی موفقیت چندانی در جلب آرای بیشتر از این مناظره نیز کسب نکرد، اما در تحکیم جایگاه و تصویر خود به‌عنوان یک سیاستمدار موثر در آینده سیاسی ایران، کاملاً موفق بود.

عبدالناصر همتی: همتی در گذر از دو مناظره قبل دریافته بود حمایت اصلاح‌طلبان از او منوط و مشروط به کیفیت نقش‌آفرینی جدی او در انتخابات است. ناکامی او در دو مناظره و دو مستند انتخاباتی‌اش در قرار گرفتن در نقطه

امید اصلاح‌طلبان، ززمه‌های عدم حمایت آنها از همتی را در روزهای اخیر جدی‌تر کرد. از این‌رو محور اصلی تلاش‌های همتی در این مناظره ایجاد یک کمپین سلبی علیه رئیسی بود؛ کمپینی که دست‌کم انتخابات را دوا مرحله‌ای کند. او به نیکی دریافت برای تحقق یک کمپین وسیع و پر قدرت «نه به رئیسی»، نخستین الزام ایجاد یک دوقطبی قوی با اوست. با این حال، همتی که در دو مناظره قبلی مکرر تاکید می‌کرد رقیب من رئیسی است و توجه چندانی به سایر نامزدها نمی‌کرد، در این مناظره ناگاه اسیر یک خطای ناخواسته شد. او در بحث مهم سیاست خارجی، همزمان معترض جلیلی و رئیسی شد؛ امری که شاید برای جلیلی هزینه‌زا بود، اما سود آن به حساب رئیسی واریز شد؛ فاصله‌گذاری مشخص جلیلی از رئیسی در مساله سیاست خارجی عملاً به‌جای رئیسی، جلیلی را در قطب مقابل همتی قرار داد و مبنای تلاش او در مناظره سوم را درهم شکست. تعبیر رئیسی خطاب به او مبنی بر اینکه «دوقطبی با شما ایجاد نمی‌شود»، میخ‌آخر بر تابوت این دوقطبی‌سازی بود. با این حال، او در این مناظره از سه استراتژی کمپین مهم بهره برد: رقیب‌هراسی به‌عنوان محور اصلی، فاصله‌گذاری از دولت و فعال کردن آرای سیاه و ناامید از طریق اتخاذ مواضع رادیکال. همتی ابتدا با مطرح ساختن تحریم به‌عنوان مانع اساسی برای هر اقدام اصلاحی در معیشت و اقتصاد، رئیسی و جلیلی را به بی‌توجهی به تحریم‌ها متهم کرد. همتی با واژگان خاص «کاسبان تحریم»، «کره‌شمالی» و «ترامپ» رقبای خود را به همدستی با ترامپ و تلاش برای تبدیل ایران به کره‌شمالی متهم ساخت. او در بخش دیگر سخنان خود رقیب را به محدودسازی آزادی‌های اجتماعی و فضای مجازی متهم ساخت. او با اتصال رئیسی و جلیلی به‌هم، بدون نام بردن از سعید قاسمی او را مشاور رئیسی و نزدیک به جلیلی معرفی کرد و از این طریق، آنها را متهم به تندروی کرد. بخش دیگر رقیب‌هراسی همتی به منفی‌سازی از سابقه قضایی رئیسی با استفاده از گزاره‌هایی مثل «مانعت از ترفیع قضات زن» یا «اقتصاد دادگاه و زندان نیست» پرداخت. همتی در این مناظره ابتکاری نیز به خرج داد و با ارائه اسامی بدهکاران بانکی در یک پاکت به رئیسی از او خواست نام آنها را افشا کند.

همتی در این مناظره تلاش بیشتری برای فاصله‌گذاری از دولت کرد. او ابتدا به اختلاف‌نظر خود با وزیر اقتصاد در مساله بورس پرداخت و سپس با تقبیح خندیدن روحانی در روزهای خشم مردم در پاییز ۹۸، تندتر از هر زمان به روحانی تاخت. با این حال، او روحانی را در تعامل موفق و در جنگ اقتصادی ناموفق دانست و تلاش کرد راه را برای بازگشت خود باز بگذارد. فراز پایانی سخنان همتی آخرین تلاش او برای فعال کردن پایگاه رای اصلاح‌طلبان در میان آرای سیاه و بخش‌های ناامید آرای خاکستری بود. او در فرصتی سه دقیقه‌ای با استفاده سریع از واژگان و اسامی خاص، تلاش کرد تا این بخش‌های جامعه را نسبت به خود فعال کند. آذری‌جهرمی، فردوسی‌پور، تاجزاده، کرباسچی، یار دبستانی، از رای من کو تا رای بی‌رای و ۲۸ خرداد را ۲۸ مرداد نکنیم، بخش‌هایی از متن پایانی همتی‌اند. او در مناظره سوم، فعالانه‌تر از مناظره دوم ظاهر شد، اما کمتر از همیشه سخن ایجابی و برنامه مشخص ارائه کرد. همتی در این مناظره نیز خشمگین و معترض بود، امری که تکرار آن در سه مناظره از کارکرد آن کاسته بود. افشای نامه او برای افزایش قیمت بنزین به ۵ هزار تومان از سوی زاکانی که از سوی او بدون پاسخ ماند، تلاش‌های او برای برانگیختن آرای خاکستری و بخش‌های محروم و فرودست جامعه را کم‌اثر خواهد ساخت. در مجموع همتی نتوانست به هدف خود در این مناظره یعنی تکمیل یک دوقطبی کامل با رئیسی دست یابد. شاید

از روخوانی، لکنت در قرائت، عدم اشراف کامل به متن و تاخیر زبان بدن از گفتار، قسمت نمایشی ماجرا را پررنگ کرد و مخاطب را با اظهارات و عباراتی نمادین و ساختگی مواجه ساخت. اگر همتی می‌توانست با کارگذاری بسیاری از این عبارات و کلمات و ادبیات در درون شخصیت اصلی (و نه عاریتی) خود نقش ایفا کند، امروز در جایگاه دیگری قرار داشت. این مهم‌ترین تفاوت روحانی ۹۲ و همتی ۱۴۰۰ است که باخت او را می‌تواند کلید بزند. این شکست احتمالا با عدم حمایت رسمی اصلاح‌طلبان از او کامل خواهد شد.

محسن رضایی: محسن رضایی در این مناظره کم‌فروغ‌تر از مناظرات قبل ظاهر شد. تلاش رضایی در مناظره سوم، القای نقشی عاقل، مجرب، کارآزموده و بدون ارتباط به یک سلیقه سیاسی خاص بود. اشاره به تجربیاتش در مجمع، فراجناحی بودن و برنامه‌مند بودن از سال‌های دور، دلالت‌هایی بر این تصویر داشت. این تلاش اما با ادراکی متفاوت از سوی مخاطب مواجه شد. علت اصلی این عدم انطباق، خروج رضایی از محور اصلی مناظره، دور شدن از نقش او در مناظره‌های قبلی و شاید نامزدی‌های مکرر او در سال‌های گذشته بود. رضایی خود را تعدا از نزاع بیرون برد، اما انتظارش از این تلاش برآورده نشد. او تلاش کرد تا با نشان دادن ریشه اصلی مشکلات کشور در ورای نزاع‌های سیاسی زرد، زمینه را برای پذیرش جراحی اقتصادی مورد نظر خود در مخاطب فراهم کند. با این حال، ورود خود رضایی به همین نزاع‌ها در روزهای گذشته، عملا این ادعای او را باورپذیر نمی‌ساخت. در این مناظره، خبری از واژگان تند و خاصی که در مناظرات قبلی علیه دولت به کار می‌بست، هم نبود. با این همه، ادبیات رضایی در نقد سال‌های گذشته باز هم به سمت سیاه‌نمایی میل می‌کرد. او مشکلات کشور را در بازه ۵۰ ساله ارزیابی می‌کرد و از جنگ زرگری میان مسئولان، مافیا، دزدی، آقازاده‌ها و رانت سخن گفته و خود را به‌عنوان «ناجی» معرفی می‌کرد. رضایی همچنان برای جلب اقوام، اقلیت‌ها و زنان تلاش می‌کرد و در مساله برجام نیز موضعی نزدیک به رئیسی گرفت. رضایی عملا و تعدا با دور نگه داشتن خود از جاده اصلی مناظره، در فکر کسب سهم بیشتر و اضافه‌شدن سبد رای بود که این مهم با توجه به وجود جبهه اصلی رقابت در موضعی دیگر، عملا بی‌نتیجه ماند. بازارگرمی رضایی هم در جریان دوقطبی ناقص شکل‌گرفته بین رئیسی و همتی، رهاورد جدیدی برای رضایی نداشت. نقطه مثبت رضایی در این مناظره آن بود که هوشمندانه به وحدت جبهه انقلاب پایبند ماند و انتظارات رقیب را برای وحدت‌شکنی ناکام گذارد. امری که آینده سیاسی او را در جبهه انقلاب روشن نگاه خواهد داشت. سبد آرای رضایی در پایان این مناظره احتمالا با یک کاهش مختصر مواجه خواهد شد. امری که شاید مسیر اجباری را برای کناره‌گیری او قبل از روز انتخابات هم فراهم سازد.

علیرضا زاکانی: زاکانی در این مناظره بیشتر از هر زمان به‌عنوان یار پوششی عمل کرد. زاکانی در کنار سایر نامزدهای جریان انقلاب به‌درستی مخاطب خود را دولت روحانی و نوک پیکان حملات خود را همتی قرار داد. او با ارائه اسناد مختلف توانست با پاسخگویی صریح از نقدهای مشکل‌دار و تا حدی غیرصادقانه همتی و مهرعلیزاده نسبت به رئیسی اعتبارزدایی کرده و بار رئیسی برای پاسخگویی به سوالات را بکاهد. هرچند لحن و واژگان و مجموع رفتار او در تخریب همتی و دولت، عملا او را از قامت یک رئیس‌جمهور دور ساخت. ادبیات تند او علیه روحانی و همتی، سطح یقه‌گیری را بالا برد، اما به تبع سطح مناظره را تحت‌تاثیر قرار داد. با این حال، عدم پاسخگویی همتی به او، مانع تندشدن مجموع مناظره شد. او در برابر اتهام پلیس بد، منفعلانه عمل کرد و

نتوانست از زیر این اتهام بگریزد. با این همه، انگاره منفی رفتارهای زاکانی تا حدی تداعی کننده احمدی‌نژاد ۸۸ بود. امری که آثار مثبت تلاش او نظیر شجاعت، صراحت و ضدفساد بودن او را تا حدی مخدوش می‌سازد. زاکانی از نزاع اصلی مناظره خارج بود، اما در فرصت‌های صحبتش، از نامزدهای هم‌جبهه، حمایت می‌کرد. در نیمه دوم مناظره او ضعیف‌تر هم ظاهر شد و سخن پایانی او نیز چندان گیرا و اثرگذار نبود. زاکانی احتمالاً در روزهای باقی مانده به سود رئیسی کنار خواهد رفت.

سیدامیرحسین قاضی زاده هاشمی: قاضی زاده هاشمی پس از درخشش در مناظره دوم، بار دیگر در این مناظره به حاشیه رفت. او نخستین نامزدی بود که در سه بخش نخست نوبت به او رسید و از این رو، تمرکز پایین‌تری در ارائه بحث‌ها داشت. نشان دادن سریع و بی‌هدف نمودارهای متعدد در ابتدای سخن او، نمونه‌ای از همین آسیب است. قاضی زاده بیشتر در حاشیه بحث حرکت کرد و به نزاع اصلی مناظره راهی نیافت. او در فرازهای متعددی از سخنش، دولت روحانی را هدف گرفت و از تغییر نسل سیاستمداران گفت، اما این بحث‌ها جایی در میان محورهای اصلی مناظره پیدا نکردند. متن پایانی او نیز خلاصه‌ای از کمپین انتخاباتی‌اش بود. قاضی زاده که در مناظره اول و دوم توفیق خوبی یافته بود این بار اما در مجموع، در افزایش سبد رای خود ناموفق بود و احتمالاً بخشی از رشد آرای خود پس از مناظره دوم را نیز از دست خواهد داد.

محسن مهرعلیزاده: مهرعلیزاده مانند مناظرات قبل وارد مناظره سوم شد. او در اتحادی استراتژیک و اصولی با همتی قرار داشت و برای موفقیت همتی نقش خود را که همانا حملات متعدد و سنگین علیه رئیسی بود، به خوبی ایفا کرد. مهم‌ترین بخش حملات او علیه رئیسی در مناظره سوم، نقد او به سفر خوزستان و عدم رعایت پروتکل‌های بهداشتی بود. «سید محرومان»، «دیوارنوردی» و «اشکنه خوردن و لنگ پوشیدن» واژگان و اصطلاحات خاص او در این مناظره بودند که همگی علیه رئیسی به کار گرفته شد. مهرعلیزاده که مانند همتی به دنبال فعال ساختن بخش‌های ناامید و آرای سیاه به سود خود بود، به صداوسیما به عنوان نماد حاکمیت حمله کرد. مهرعلیزاده در این مناظره بار دیگر به متن خوانی روی آورد. احتمالاً مشاوران او از تغییر شیوه در مناظره دوم راضی نبوده‌اند. مهرعلیزاده در یک کلام، همان همیشگی بود؛ بدون تغییر و بدون تلاشی برای تغییر. مهرعلیزاده در صورت ماندن در انتخابات، بخش‌هایی از آرای قومیتی و حزبی اصلاح‌طلبان را به خود اختصاص خواهد داد. در مجموع، احراز صلاحیت مهرعلیزاده یک علامت سوال و چند علامت تعجب را در ذهن مخاطب نسبت به شورای نگهبان ایجاد کرده بود و هر چه مناظره‌ها پیش رفت تعداد علامت‌های تعجب بیشتر شد!

۵-۳. جمع‌بندی

آخرین مناظره نامزدهای انتخابات ۱۴۰۰، بدون تغییر چندان در درصد آرای نامزدها خاتمه یافت. به نظر می‌رسد علی‌رغم همه کاستی‌ها، مناظره سوم بیش از دو مناظره قبل در افزایش مشارکت موثر بوده باشد. چالش‌های جدی میان نامزدها، وجود بحث‌های نزدیک‌تر به سوالات مردم و صف‌بندی واقعی‌تر نامزدها، همگی در این امر موثرند. احتمال باقی ماندن همه نامزدها در صحنه همچنان هست، با این همه، انصراف برخی نامزدها به سود دیگری، از احتمال بیشتری برخوردار است. مهم‌ترین امر درباره مناظره آخر آن بود که این مناظره برخلاف آخرین مناظره

سال ۹۶، از ریل مناظرات قبلی خارج نشد و چپ‌نشین نامزدها در نظرسنجی را با تغییر مهمی مواجه نخواهد کرد. در مجموع، رئیسی به‌عنوان پیش‌تاز نظرسنجی‌ها مناظره سوم را به‌سود خود پایان داد. همتی علی‌رغم همه تلاش‌ها و افزایش احتمالی‌ای که در آرای خود داد در هدف اصلی‌اش که ریزش آرای رئیسی و جلب حمایت اصلاح‌طلبان و دور دومی شدن انتخابات بود، احتمالاً موفقیتی کسب نخواهد کرد. امری که در روزهای آتی شاید منجر به رادیکالیزه شدن بیشتر فضای انتخابات توسط ستاد همتی و در پشت آن اصلاح‌طلبان شود. بیانیه‌های لاریجانی و میرحسین از طلیعه این ماجرا خبر می‌دهد، ولی فضای انتخابات فعلاً طوری است که این هیزم‌ها توان شعله‌افشانی سنگین در دل خود ندارد. ضمن اینکه کمپین همتی نیاز به یک موج (مثلاً یک اجتماع استادیومی) هم دارد که به‌نظر می‌رسد مجموع ظرفیت فراهم‌شده (تاکنون)، آتش تهیه مناسبی برای برپایی این موج را فراهم نساخته است. شاید به‌عنوان راه آخر، چاره‌ای نباشد که ستاد همتی برای این موضوع دست به ریسک سنگینی بزند، امری که شاید بیشتر از دستاورد، برایش نقطه پایانی زودتر از روز انتخابات را رقم بزند.



بازار آریایی ریاسی مرکز رشد دانشگاه امام صادق (ع)

شماره مسلسل: ۲۰۰۱-۰۰

شناسنامه گزارش

عنوان گزارش: مناظرات انتخابات ریاست جمهوری سیزدهم

تهیه کنندگان: مصطفی آفاجانی، حسن وکیل زاده، سروش سیاری، امیرحسین عرب پور، محمدامین ذبیحی

استاد هادی: دکتر محمدامین باقری

واژگان کلیدی: انتخابات، ریاست جمهوری، مناظره، بازار آریایی سیاسی

تاریخ انتشار: ۱۴۰۰/۳/۲۰